

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل			
تکمیل مآخذ و ویرایش نهایی	ویرایش دوم	ذکر مآخذ	تصحیح و ویرایش اولیه

مقصود از رئیس مذهب بودن امام صادق علیه السلام چیست؟

ماه شوال از نیمه گذشت. در روزهایی که در هفته‌ی آینده پیشاروی ماست، روز بیست و پنجم ماه شوال قرار دارد که بنا به نقل مشهور، در آن حادثه‌ی دردناک شهادت امام صادق علیه السلام واقع شده‌است. گرچه نقل دیگری هم وجود دارد که حضرت در نوزدهم ماه رجب به شهادت رسیدند؛ ولی آنچه مشهورتر است، بیست و پنجم ماه شوال سال ۱۴۸ هـ. ق. است. امام بزرگواری که مکتب تشیع، خصوصاً در جنبه‌ی فقهی آن، با نام آن بزرگوار شناخته شده‌است. گرچه مذهب شیعه همان مکتب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است؛ و آموزه‌های همه‌ی ائمه علیهم السلام در تبیین این مکتب، سهیم و ذخیل است؛ اما اینکه امام صادق علیه السلام به عنوان رئیس مذهب مشهورند، به دلیل موقعیت فوق‌العاده‌ای است که برخلاف پدران بزرگوار و فرزندان معصومشان، در اختیار آن حضرت قرار گرفت. ایشان در یک دوره‌ی انتقالی، بیشترین فراغت را برای نشر و تبیین و ترویج و تعلیم معارف قرآن و اهل بیت علیهم السلام، در اختیار داشتند. دوران امام باقر و امام صادق علیهم السلام، دوره‌ی انتقال حکومت از بنی‌امیه به بنی‌عبّاس، یا به تعبیر دقیق‌تر، از بنی‌مروان به بنی‌عبّاس بود و درگیری‌های قدرت‌های سیاسی با یکدیگر، فرصت و فراغت به آنها نمی‌داد که کنترل فوق‌العاده و اختناق شدیدی را که در زمان سایر ائمه علیهم السلام اعمال می‌کردند، در آن زمان هم اعمال کنند. به همین خاطر بعد از دوران اختناق که خصوصاً بعد از واقعه‌ی عاشورا پیش آمد و حکومت‌های ظالم اموی، کوچک‌ترین مَنفَعَدی را برای تبیین معارف قرآن و اهل بیت علیهم السلام باقی نگذاشتند؛ امام باقر علیه السلام، و بعد از ایشان امام صادق علیه السلام این فرصت را پیدا کردند که این معارف را تبیین و ترویج کنند. شاید حدود هشتاد درصد احادیثی که در کتب حدیثی شیعه به ما رسیده است،

از این دو امام بزرگوار، امام باقر و امام صادق علیهما السلام، نقل شده است؛ به خاطر فرصت و فراغت ایشان. و الاً این گونه نیست که ائمه‌ی دیگر علیهم السلام در مقام و مرتبه‌ی علمی، چیزی کمتر از این دو امام بزرگوار داشتند. چنین فرصت و فراغتی در اختیار دیگر ائمه‌ی ما علیهم السلام قرار نگرفت. این است که مکتب تشیع، به نام امام صادق علیه السلام شناخته شد.

شاید به لحاظ دیگری هم مذهب تشیع به جعفری مشهور شد و آن این که مذاهب فقهی چهارگانه‌ی اهل سنت (حنفی، مالکی، شافعی، و حنبلی) هم تقریباً در عصر امام صادق علیه السلام شروع به شکل‌گیری کردند. ابوحنیفه، معاصر امام صادق علیه السلام بود و دو سال شاگردی و طلبگی ایشان را کرده بود؛ تا پایان عمر هم می‌گفت: «لَوْ لَا السَّنَانِ لَهَلَكَ التُّعْمَانُ»^۱ اگر آن دو سال که من به درس امام صادق علیه السلام رفتم، نبود؛ هلاک شده بودم. این که چه شد کسانی که شاگرد امام صادق علیه السلام بودند، رودرروی امام ایستادند؛ برای خودشان مذهبی بنیان‌گذاری کردند و عده‌ای را به دور خود جمع کردند؛ نکاتی است که در کتاب «حدیث دوست» به آنها اشاره شده است.^۲

چون این مذاهب از زمان امام صادق علیه السلام به بعد شکل گرفتند و این چهار مذهب به اسم بنیان‌گذارانشان شناخته شدند؛ یعنی پیروان احمد حنبل را حنبلی مذهب؛ پیروان ابوحنیفه را حنفی مذهب؛ پیروان مالک بن انس را مالکی و پیروان امام شافعی را شافعی می‌گویند؛ پیروان مکتب تشیع را هم، پیروان مذهب جعفری نام می‌نهند.

چرا مذهب تشیع را، خصوصاً اهل سنت، به نام مذهب جعفری می‌شناسند؟

بنابه اعتقاد ما، تشیع یعنی استمرار آموزه‌های رسول الله صلی الله علیه و آله، و چیزی جدای از آن نیست. تشیع در زمان حیات رسول الله صلی الله علیه و آله آغاز شد. حتی واژه‌ی شیعه را خود پیغمبر صلی الله علیه و آله ذیل آیه‌ی شریفه‌ی «إِنَّ

^۱ عبد العزیز دهلوی، التحفة الاثناعشریة، ص ۸.

^۲ ن. ک. به: مهدی طیب، حدیث دوست، ص ۲۵ و ۲۶.

الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ»^۳ در مورد یاران و همراهان امیرالمؤمنین علیه السلام به کار بردند. اهل سنت، در کتاب معتبر حدیثی‌شان از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله، نقل کرده‌اند که فرمودند: «يَا عَلِيُّ أَنْتَ وَشِيعَتُكَ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ»^۴ ای علی؛ تو و شیعیانت، بهترین خلایق خدا هستید. بنابراین واژه‌ی شیعه، توسط خود پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وضع و به کار برده شد و تشیع از زمان حیات ایشان مطرح بود. در دوران حیات پیغمبر صلی الله علیه و آله، عده‌ای از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله دور امیرالمؤمنین علیه السلام جمع و با ایشان محشور بودند. گما این‌که عده‌ای هم دور ابابکر و عمر و عثمان بودند. در واقع دو تیپ مختلف در بین صحابه‌ی پیغمبر صلی الله علیه و آله دیده می‌شد. از همان زمان حیات رسول الله صلی الله علیه و آله، کسانی با امیرالمؤمنین علیه السلام هم‌روحیه و همراه بودند و بعد از رحلت رسول الله صلی الله علیه و آله هم شیعه خوانده شدند. پس تشیع در زمان پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وجود داشت و در زمان امیرالمؤمنین علیه السلام، در زمان حسنین علیه السلام و در زمان امام سجّاد و امام باقر علیه السلام استمرار پیدا کرد؛ منتها به دلیل این‌که چهار مکتب فقهی اهل تسنن در آن زمان شکل گرفت و به نام رؤسای آن مذاهب خوانده شد؛ مکتب تشیع هم مکتب جعفری نام گرفت. بخش عمده‌ای از آموزه‌های مکتب تشیع را امام صادق علیه السلام، در جلسات درس عظیمی که دایر می‌کردند، بیان فرمودند. حاصل این آموزه‌های حضرت، چهارصد کتاب شد که شاگردان ایشان تألیف کردند. این چهارصد کتاب، «اصول أَرْبَعَةُ مِائَةٍ» نام گرفت. بعدها نیز مطالب همان کتاب‌ها تدوین شد و کتابی مثل کافی و کتاب‌های حدیثی بعدی شیعه را شکل داد. به این لحاظ این مذهب را مذهب جعفری و امام صادق علیه السلام را رئیس این مذهب می‌دانند. والّا رئیس مذهب ما خود رسول الله صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام هستند و تشیع چیزی جدا از اصل آموزه‌های پیغمبر صلی الله علیه و آله و قرآن کریم نیست. منتها شیعه این آموزه‌های قرآن و سنن نبوی صلی الله علیه و آله را از زلال‌ترین، پاک‌ترین و ناب‌ترین مجرا، که اهل بیت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله هستند، دریافت کرده است. بنا به ضرب‌المثلی که در بین عرب است؛ که «أَهْلُ

^۳. سوره‌ی بینه، آیه‌ی ۷.

^۴. سیوطی، در المنثور، ج ۶، ص ۶۳۴ و خوارزمی، مناقب، ص ۲۶۵.

الْبَيْتِ أَدْرِيٰ بِمَا فِي الْبَيْتِ» اهل خانه بیشتر می دانند که در خانه چه می گذرد. شیعه معتقد است اَهْلُ

الْبَيْتِ پیغمبر ﷺ نسبت به آموزه های پیامبر ﷺ اَدْرِيٰ هستند و لذا این آموزه ها را مستقیماً از اهل

بیت ﷺ دریافت کرده است.

شهادت امام صادق ﷺ را به محضر فرزند برومند و بزرگوار آن حضرت، بقیه الله الأعظم امام

عصر ارواحنا فداه و همه ی پیروان، ارادتمندان، سرسپردگان و دوستداران ایشان، تسلیت عرض می کنم و

امیدوارم خدای متعال ما را شاگردان شایسته ای برای مکتب امام صادق ﷺ قرار دهد.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ